



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اولین نماز بعد از

بعثت پیامبر (ص)

به جماعت برگزار شد

جوادا حسانی مقدم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولین نماز بعد از بعثت پیامبر به جماعت برگزار شد

نویسنده:

جواد احسانی مقدم

ناشر چاپی:

جواد احسانی مقدم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- ۵ فهرست
- ۶ اولین نماز بعد از بعثت پیامبر به جماعت برگزار شد
- ۶ مشخصات کتاب
- ۶ مقدمه
- ۷ ویژگیهای شهر مکه در زمان قبل از بعثت چگونه بود؟
- ۷ بافت اجتماعی مکه در آن زمان به چه صورت بود؟
- ۷ روابط این قبایل به چه صورت بود و چگونه نظم را در میان خود برقرار میکردند؟
- ۷ وضعیت معیشتی و اقتصادی شهر مکه چه شکل و شمایلی داشت؟
- ۸ یکی از سنتهای عصر جاهلیت زنده به گور کردن دختران بود که در خصوص آن ابهامات زیادی وجود دارد. ممکن است در این باره توضیح دهید؟
- ۸ در رابطه با عقاید، اخلاق و رفتارهای عربستان قبل از بعثت هم توضیحاتی بدهید؟
- ۸ مطلع شدیم شما تحقیقاتی در رابطه با مبعث انجام داده و حقایق جدیدی را آشکار ساخته اید؟
- ۹ کمی هم از روز بیست و هفتم ماه رجب که لحظه نزول اولین آیات و در واقع زمان دقیق بعثت پیامبر است، بگویید؟
- ۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اولین نماز بعد از بعثت پیامبر به جماعت برگزار شد

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: احسانی مقدم، جواد

عنوان و شرح مسئولیت: اولین نماز بعد از بعثت پیامبر به جماعت برگزار شد [منبع الکترونیکی] / جواد احسانی مقدم

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۹ بایگانی: ۲۵.۵KB)

موضوع: بعثت

محمد (ص)، پیامبر اسلام

مقدمه

حجت الاسلام علی دوانی، از نویسندگان و محققانی است که نویسندگی را از ۱۹ سالگی آغاز کرد و علاوه بر مقالاتی در اغلب مجلات و جراید، بالغ بر ۸۵ جلد کتاب نگاشته است. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاهش روستای دوان (از توابع کازرون) در حوزه‌های علمیه نجف و قم علوم دینی را تحصیل کرده و از محضر درس بزرگانی چون آیتالله بروجردی، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی بهره‌های فراوانی برده است. دکتر دوانی که از محققان و مورخان تاریخ اسلام به شمار می‌آید، در خصوص شرایط اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی سرزمین وحی در سالهای قبل و بعد از بعثت پیامبر اکرم (ص) گفتوگویی با خبرنگار گلستان قرآن داشته است که بخشهایی از آن را با هم میخوانیم. وضعیت جغرافیایی و سیاسی شبهجزیره عربستان در زمان قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) را تشریح کنید. ابتدا تعریفی از بعثت ضروری است. بعثت یعنی برانگیختن پیغمبر (ص) توسط خداوند متعال، برای هدایت و راهنمایی جامعه بشری. شبه جزیره عربستان که سرزمین نزول آیات آخرین کتاب الهی است، در زمان بعثت پیامبر اکرم (ص)، تابع یمن و یمن نیز تابع سرزمین حبشه (اتیوپی فعلی) بود. ساکنان کشور حبشه پیرو دین مسیح و تحت‌الحمايه امپراتوری روم شرقی بودند و از آنها کمکهای مادی و معنوی زیادی دریافت میکردند. در زمان سلطه حبشه بر یمن، پادشاه حبشه فرماندهی به نام ابرهه با هفتاد هزار سپاه راهی مکه ساخت تا خانه خدا را ویران کند و کلیسایی در یمن بسازد تا اعراب به جای خانه خدا، برای زیارت به آن کلیسا رجوع کند. نابودی سپاه ابرهه به وسیله پرنده‌گان کوچک، که داستان آن در قرآن نیز نقل شده از حوادث مهم تاریخی قبل از اسلام در این منطقه است. آن زمان ممالک و سرزمینهای مختلف بین امپراتوریهای روم شرقی و ایران تقسیم شده بود. بسیاری از ممالک مختلف در دست امپراتوری روم شرقی بود. امپراتوری ایران ساسانی نیز چند پایتخت داشت که پایتختهای مهم آن مدائن و تیسفون بود و نیز سرزمینهای زیادی حکومت میکردند. در منطقه عربستان که بین دو قدرت زمان تقسیم شده بود، اعراب مسیحی اردن، دستشانده امپراتوری روم شرقی و بلاگردان آنها در مقابل امپراتوری ایران بودند. ملوک حیره را نیز اعراب مسیحی تشکیل میدادند که دستشانده دولت ایران و بلاگردان آنها در مقابل حملات احتمالی دولت روم شرقی محسوب میشدند. یعنی اگر رومیها به ایران حمله میکردند، با اعراب مسیحی سرزمین حیره که تابع ایران بودند، روبهرو میشدند تا دولت مرکزی ایران خود را برای جنگ آماده کند و همچنین در مقابل، اگر حملهای از طرف دولت ایران شکل میگرفت، با مردم سرزمینهای اردن و سوریه که اعراب قسانی و مسیحی‌مذهب در آنها سکونت داشتند، روبهرو میشدند. از مهمترین تحولات آن زمان حمایت انوشیروان پادشاه ساسانی، از سیف بن زی یزن از اهالی یمن، برای اخراج اشغالگران حبشی از سرزمین یمن، که مدت یک سال در ایران اقامت داشت و پادشاه ساسانی، ۸۰۰ نفر از زندانیان سیاسی را با کشتی، همراه وی برای تصرف یمن فرستاد و ایرانیان به کمک

اعراب محلی، سرزمین یمن را از تصرف حبشیها خارج ساختند و یمن به تحت‌الحمایگی ایران درآمد. در رابطه با سرزمین یمن نیز باید گفت با توجه به کوهستانی و صعب‌العبور بودن منطقه، تمامی آن سرزمین به تصرف حبشیها و ایرانیها در نیامده و فقط سواحل یمن و شهرهایی مانند صنعا، عدن و قرن تصرف شده بود. لذا، در زمان ظهور پیغمبر اکرم (ص) یمن تقریباً در دست ایرانیها بود و مسیحیهای حبشه شکست خوردند. اما سرزمین وحی، یعنی ناحیه عربستان که عمده سرزمین آن را منطقه حجاز در غرب تشکیل میداد، بقیه‌اش به صورت کویر خشک و بیاب و علف بود. در قسمت شمال آن، سرزمین شامات و فلسطین قرار داشت و محل بعثت پیغمبر (ص) شامل سواحل دریای سرخ و شهرهای مدینه، مکه، طائف و اطراف ام‌القراء بود. اعرابی که در ظلمت، جهل و نادانی میزیستند و زیر سلطه اشغالگران یمن بودند، با اشغال یمن توسط ایران، تحت نفوذ دولت ایران قرار گرفتند. در آن هنگام هر کدام از دولتهای ایران یا روم، یمن را تصرف میکردند، قطعاً حجاز نیز تحت سلطه آنها قرار میگرفت. ولی به خاطر نبود تولیدات صنعتی و کشاورزی و... هیچکدام از دولتها به این منطقه لشکرکشی نمیکردند.

ویژگیهای شهر مکه در زمان قبل از بعثت چگونه بود؟

شهر مکه غیر از قداست خانه خدا و رفت و آمد بازرگانان و حجاج که در عصر جاهلیت نیز به یاد حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) به آن رفت و آمد میکردند، اهمیت دیگری نداشت.

بافت اجتماعی مکه در آن زمان به چه صورت بود؟

چون در آن منطقه پادشاه و سلطانی حکومت نمیکرد، مردم شهر و حومه‌اش به صورت قبیله‌های زندگی میکردند و هر قبیله رئیسی داشت. به‌عنوان مثال رئیس قبیله بنی‌مقضم ابوجهل بود و رؤسای قبایل بنی‌امیه و بنی‌هاشم ابوسفیان و ابوطالب بودند. در کل حدود ۳۶۰ قبیله کوچک و بزرگ در مکه و اطراف آن زندگی میکردند.

روابط این قبایل به چه صورت بود و چگونه نظم را در میان خود برقرار میکردند؟

روابط این قبایل و انتظاماتشان بر حسب حق جوار بود، مثلاً اگر کسی از قبیله بنی‌مقضم قتل نفسی میکرد و به قبیله بنی‌امیه یا یکی از رجال آن قبیله پناه میبرد، در امان بود و در جوار او قرار میگرفت. حتی بعد از ظهور اسلام، حتی اگر یک فرد مسلمان به یکی از کفار پناهنده میشد، صرفنظر از مسلمان بودنش در جوار آن شخص یا قبیله در امان بود، چون غیر از این راهی برای برقراری نظم و انضباط وجود نداشت.

وضعیت معیشتی و اقتصادی شهر مکه چه شکل و شمایلی داشت؟

مردم مکه چون تولیداتی نداشتند، درآمدی نیز نداشتند. بیشتر دست‌اندرکار تجارت بودند و به همین دلیل، مکه یک شهر تجاری محسوب میشد. آنها دو نوع تجارت انجام میدادند که در سوره قریش، خداوند درباره آن میفرماید: «رحلت الشتاء و السیف»، یعنی تجارت زمستانی و تابستانی. درباره تجارتها نیز باید گفت که از برکات جنگهای ۲۰ساله بین دولتهای ایران و روم شرقی، مردم مکه از موقعیت مناسب منطقه، دور بودن از مناطق جنگی و رفت و آمد سرمایه‌دارها و تجار به شهرشان بخوبی بهره‌برداری میکردند. آنان در زمستان به سمت جنوب یمن میرفتند و به تجارت و خرید و فروش و مبادله کالا میرداختند و تابستانها را در سمت شمال، به خرید و فروش کالا در شامات و فلسطین میگذراندند.

یکی از سنتهای عصر جاهلیت زنده به گور کردن دختران بود که در خصوص آن ابهامات زیادی وجود دارد. ممکن است در این باره توضیح دهید؟

دختر کشی که از سنن عصر جاهلیت بود، بیشتر ریشه در فقر داشت. براساس عقاید اعراب بیاباننشین فرزند پسر برای جنگ و گریز و غارت کارساز بود. درحالیکه دختر نمیتوانست در این زمینه کمک‌حالشان باشد. البته این سنت بین تمام قبایل رواج نداشت بلکه، فقط بعضی قبایل که در فشار مالی بودند به آن عمل میکردند. در دو آیه قرآن به این موضوع اشاره شده است: «لا تقتلوا اولادکم خشیت املان» جای دیگر نیز آمده است که: «لا تقتلوا اولادکم من املان». بعد در ادامه خداوند در آیهای دیگر میفرماید: «نحن نرزقهم و ایاهم» و در جای دیگر میفرماید: «نحن نرزقهم و ایاکم»: «ما، شما و آنها را روزی میدهیم. آنها را نکشید.» این دو آیه نشانگر آن است که سرزمین مورد اشاره از تمدن دور بود. در آن شرایط عبدالمطلب، رئیس قبیله بنی‌هاشم، رؤسای سایر قبایل را گردآورد و آنها توافق کردند در جهت حفظ آرامش و امنیت چهار ماه از سال قتال و نزاع نکنند و نام آنها را «اشهر حرم» یعنی ماه محترم گذاشتند و تعهد کردند اگر در این ماههای ذی‌عده الحرام، ذیحجه الحرام و محرم الحرام و یک ماه دیگر که به نظر میرسید ماه رجب بود، خونریزی یا قتلی واقع شود، ضارب و قاتل از هر قبیله که باشد به قبیله مضروب و مقتول تحویل و قصاص شود و اگر قبیلهای ضارب یا قاتل را تحویل ندهد، بقیه قبایل متحد شده و آن قبیله را مورد حمله قرار دهند و شخص قاتل یا ضارب را دستگیر کنند. البته این قرارداد چندین بار نقض و منجر به جنگهایی شد که شخص پیامبر نیز در دوران نوجوانی در یکی از جنگها حضور داشت، ولی تیراندازی نمیکرد و راضی نبود با تیرش کسی مجروح شود. خداوند پیرامون آن عصر در قرآن میفرماید: «به ریسمان الهی جنگ بزنید و پراکنده نشوید، به یاد بیاورید نعمتی که خدا به شما داده، زمانی که با هم دشمن بودید و خدا دل‌هایتان را به هم پیوند داد، انگار همگیتان در لبه پرتگاه و گودال آتش بودید، خدا شما را از لبه پرتگاه سقوط اخلاقی گرفت و همگیتان را متحد ساخت و دور هم جمع کرد.» حضرت علی (ع) در رابطه با بعثت پیغمبر (ص) در نهج البلاغه میفرماید: «مردم حیران و سرگردان بودند و در ورطه‌های بیدینی و فساد اخلاقی، کشتار و جنگ و گریز، غوطه ور بودند و خدا به برکت پیغمبر، آنان را از ظلمت، پراکندگی و حیرانی نجات داد.» در آیه دوم سوره جمعه خداوند به صراحت در این رابطه میفرماید: «اوست که در میان قوم بیکفایت (عرب) به پیامبری از میان خودشان کتاب و حکمت می‌آموزد، و حقا که در گذشته در گمراهی آشکاری بودند.»

در رابطه با عقاید، اخلاق و رفتارهای عربستان قبل از بعثت هم توضیحاتی بدهید؟

فساد اخلاقی در شهر مکه بسیار زیاد بود که در قرآن کریم این موضوع با عبارت «فی نادى کم المنکه» مورد اشاره قرار گرفته است. مردم مکه چون متنعم و سرمایه‌دار بودند، شبها دور هم جمع میشدند. مردها ساز مینواختند و زنها میرقصیدند، (نادی به معنی باشگاه است) خدا به یادشان می‌آورد که در باشگاههای زشتشان شراب مینوشیدند و قمار میکردند و عقیده به مبدأ و معاد نداشتند و معتقد بودند زمانه میگردد و آنها هم میروند و خاک میشوند و بعد از مردن زنده نمیشوند. در چنین وضع نابسامانی خداوند در چهلمین سال حیات پیغمبر (ص)، آن حضرت را به پیامبری برگزید و مأمور هدایت مردم ساخت.

مطلع شدیم شما تحقیقاتی در رابطه با مبعث انجام داده و حقایق جدیدی را آشکار ساخته اید؟

هنگامی که برای زیارت غار حرا رفته بودم، پس از بازگشت، مقاله‌ای با عنوان «مکتب اسلام بر فراز کوه حرا» نوشتم که در کتاب شعاع وحی بر فراز کوه حرا نیز ارائه شد. همچنین آن بحث را در کتاب «تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت» نیز مطرح کردم و در کنگره محمدبن جریر طبری در بابلسر نیز بیان داشتم. در آن مقاله آمده که پیغمبر (ص) در بالای کوهی که الان هم وجود دارد

نبود، چون در بالای کوه مکانی حتی برای خوابیدن نیست، بلکه پیامبر اکرم(ص) در پای کوه حرا که مسیر مردم بود چادر میزد و حتی رهگذران را دعوت میکرد. پیغمبر(ص) معمولاً صبح که هوا خنک بود یا بعد از ظهر از کوه بالا میرفت. از پای کوه حرا تا قلهاش که محل غار حرا است، یک ساعت طول میکشید. ویژگیهای دیگر این کوه که منظره بسیار زیبایی دارد، آن است که اطرافش باز است و هیچ کوه دیگری در کنارش نیست. با وجود اینکه خیلی هم کوه مرتفعی نیست، ولی در بالای کوه حرا انگار انسان به آسمان نزدیک است. صحرای عرفات در ۴ فرسخی این کوه و صحرای منی در ۲ فرسخی آن قرار دارد و قسمتی از شهر مکه نیز از بالای آن پیداست.

کمی هم از روز بیست و هفتم ماه رجب که لحظه نزول اولین آیات و در واقع زمان دقیق بعثت پیامبر است، بگویید؟

روایت شده که آن روز وقتی پیغمبر(ص) از کوه بالا رفت و در داخل غار حرا آرامید، جبرئیل به نزد ایشان آمد و صدایش زد. پیغمبر از جایش برخاست، ابتدا جبرئیل را دید که پای کوه حرا سرش به آسمان میخورد. پیغمبر(ص) مدتی از پایین تا بالای قامت وی نگاه کرد. جبرئیل فرمود: من پیک وحی هستم و حقیقت من اینچنین است، ولی از این به بعد به من نگاه کن، کوچک میشوم و به شکل یک انسان در خواهم آمد و در ادامه، جبرئیل فرمود که خدا تو را پیغمبر و رهبر خلق کرد، السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا نبی الله و به دنبال آن شش آیه از سوره علق را بر پیامبر نازل کرد. هنگامی که پیامبر به منزل برگشت، حضرت خدیجه اظهار داشت: صورت شما همیشه نورانی بود، اما امروز نور دیگری در شما مبینم. همیشه معطر بودید، اما امروز یک بوی عطر خاصی دارید. پیغمبر فرمود که وقتی بالای کوه حرا بودم جبرئیل آمد و گفت تو پیغمبر خدایی. خدیجه گفت: آقا، شما اگر پیغمبر خدا نباشید چه کسی باشد؟ سالها بود من انتظار چنین روزی را میکشیدم. دو یا سه روز بعد مجدداً جبرئیل به نزد رسول خدا آمد و سوره المدثر و المزمّل را قرائت کرد. پیغمبر برخاست، جبرئیل دستش را گرفت و به بالای کوه ابوقیس برد و به صخرهای اشاره کرد و آبی جوشید و جبرئیل فرمود: اولین حکم دین تو این است که وضو بگیری و نماز بخوانی، و جبرئیل دو رکعت نماز خواند و سپس فرمود: برو به منزل خود و اولین حکم دین خدا را اجرا کن. پیغمبر(ص) به خانه بازگشت و نحوه وضو گرفتن را به حضرت علی(ع) و خدیجه و زید بن حارثه آموخت و همگی وضو گرفتند و در پشت سر آن حضرت ایستادند و نماز برپا کردند. جالبترین موضوع این که اولین نماز در دین اسلام به جماعت برگزار شد. موضوع مهمی که من بعد از ۱۴ قرن به آن دست یافتم این است که همه مورخان و مفسران نوشته‌اند که پنج آیه بر پیامبر نازل شده، درحالیکه تا به حال هیچ کس به این موضوع توجه نکرده که بسم الله الرحمن الرحیم سوره کجاست و این بحث که بسم الله الرحمن الرحیم جزء سوره یا آیهای مستقل است، از همین جا شروع شد. جبرئیل فرمود: «اقرا بسم ربك الذی خلق» یعنی این کلام خدا بود. نام خدایت را بخوان، نگفت بخوان! چون پیغمبر امی بود، خدا از پیامبر نخواست که بخواند و بنویسد. یک روایت ضعیف وجود دارد که طومار سبزی آوردند که دکتر شریعتی نیز آن را در کتاب اسلامشناسی مطرح کرد. اما نقض غرض است که گفته شود، نگار من که به مکتب نرفت خط نوشت، طوماری بیاورند و بگویند بخوان و این تکلیف مالایطاق است. «اقراء» به معنای بخوان نیست، بلکه به معنی آن است که بگو. این معنی را نیز من در مقاله‌ام مطرح کردم. جبرئیل به پیامبر فرمود: نام خدایت را به زبان بیاور ولی اکثراً نوشتند «ما» مای نافیه است. پیغمبر فرمود: «ما انا به قارع» من نمیتوانم بخوانم. همین موضوع را ابوالفتح رازی در تفسیر فارسی خود آورده و نوشته: «پیغمبر فرمود من خواننده نیستم». امام جعفر الصادق (که در تفسیر علی بن ابراهیم آن را یافتم) درباره این موضوع میفرماید: «ما» مای استفهامیه است. پیغمبر فرمود: جبرئیل، تو میفرمایی نام خدا را به زبان جاری کن. «ما اقراء» نام خدا را چگونه بخوانم. جبرئیل بسم الله الرحمن الرحیم را آورد و به پیغمبر فرمود: قبل از هر چیز بگو: بسم الله الرحمن الرحیم. چون پیغمبر(ص) بار اول متوجه نشد، سؤال کرد و جبرئیل فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم، اقرا بسم ربك الذی الخلق» و اصلاً منطقی به نظر نمیرسد شروع این سوره قرآن، با نام خدا نباشد. حتی گفته

میشود پیغمبر(ص) از ترس لرزید و نزدیک بود به زمین بیفتد که با دلایل صحیح در این مقاله رد شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

